

## بررسی ارتباط صفات شخصیت اسکیزوتایپی با الگوی پنج‌عاملی شخصیت

دکتر علی محمدزاده

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور استان آذربایجان

**هدف:** بسیاری از رفتارهای نابهنجار را می‌توان نوعی اغراق در صفات پنج‌گانه شخصیتی بهنجار به‌شمار آورد. از میان اختلالات شخصیت، شخصیت اسکیزوتایپی بر اساس الگوی پنج‌عاملی کمتر تبیین شده است. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه شخصیت اسکیزوتایپی با الگوی پنج‌عاملی شخصیت در ایران است. **روش:** این پژوهش که از نوع توصیفی-مقطعی است، در یک بررسی زمینه‌یابی انجام شد. بدین منظور نمونه‌ای به حجم ۳۱۹ نفر، با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و آزموده شد. شرکت کنندگان به مقیاس شخصیت اسکیزوتایپی و مقیاس پنج بزرگ پاسخ دادند. داده‌ها با روش رگرسیون چندمتغیری گام به‌گام تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج نشان دادند که شخصیت اسکیزوتایپی با روان‌نژندی‌گرایی همبستگی مثبت و با برون‌گرایی همبستگی منفی دارد. تحلیل رگرسیونی بر اساس یافته‌های حاضر نشان داد با این که وظیفه‌شناسی و توافق‌جویی به تنهایی با اسکیزوتایپی رابطه‌ای ندارند، ولی برای تبیین شخصیت اسکیزوتایپی، اضافه شدن آنها به روان‌نژندی‌گرایی و برون‌گرایی ضروری است. برون‌گرایی در زنان و روان‌آزردگی در مردان، بیش از سایر صفات شخصیتی، قدرت تبیین شخصیت اسکیزوتایپی را دارد. **نتیجه‌گیری:** این یافته‌ها در راستای تحقیقات قبلی، با نمونه‌های بالینی متشکل از اختلال شخصیت اسکیزوتایپی و اسکیزوفرنیا تفسیر شد. نقش جنسیت در کیفیت ارتباط صفات شخصیت اسکیزوتایپی، با الگوی پنج‌عاملی شخصیت مورد تأکید است.

\* نشانی تماس: دانشگاه پیام نور، آذربایجان شرقی.

Email: ali.mohammadzadeh@gmail.com

*کلیدواژه‌ها: اسکیزوتایپی، صفات، الگوی پنج‌عاملی، شخصیت، نمونه‌های غیربالینی*

## The Relationship between Schizotypal Traits and the Five-factor Model of Personality

Ali Mohammadzadeh  
Payam Noor University, East  
Azarbaijan Branch

**Objective:** Various abnormal behaviour patterns can be conceptualized as extremes in the five personality traits present in normal people. Among clinical personality disorders, schizotypal personality is least accounted for by the five-factor model. The aim of the present study is to explore the associations of the schizotypal personality with the five factor model of personality in Iran. **Method:** This is a cross-sectional descriptive study and was conducted in an experimental research context. A group of 319 normal participants were randomly selected, and answered to schizotypal personality (STA) and Big Five Inventory (BFI) scales. Data were analyzed using multivariate regression analysis. **Results:** Results indicated that schizotypal personality has positive correlation with neuroticism and negative correlation with extraversion. Regression analysis based on the present results indicated that even though conscientiousness and agreeableness are not by themselves related to schizotypy, they need to be added to neuroticism and extraversion for its development. Neuroticism, in males, and extraversion, in females had more power in prediction of schizotypal traits, compared to other personality traits. **Conclusion:** Results were discussed in light of previous research findings with clinical samples, including schizotypal personality disorder and schizophrenia. The role of gender should be emphasized in the relation between schizotypal traits and schizophrenia.

**Keywords:** schizotypy, trait, five-factor model, personality, nonclinical samples

Email: ali.mohammadzadeh@gmail.com

## مقدمه

به‌طور کلی، الگوی پنج‌عاملی شخصیت، به عنوان مقیاس سنجش سبک‌های هیجانی، ارتباطی و انگیزشی افراد معرفی شده است. اخیراً تعدادی از محققان صفات پنج‌گانه، اعلام کرده‌اند که بسیاری از رفتارهای نابه‌نجار را می‌توان نوعی اغراق در صفات بهنجار شخصیت به شمار آورد (کاستا<sup>۴</sup> و وایدیگر<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴؛ میلر<sup>۶</sup>، رینولد<sup>۷</sup>، پیلکونیس<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴). به عبارت دیگر، در نظام پیوستاری، بسیاری از اشکال آسیب‌شناختی، انتهای پیوستار شخصیت بهنجار قرار دارد تا این که کاملاً از شخصیت بهنجار فاصله می‌گیرد (میلر، لینام<sup>۹</sup>، وایدیگر و لیکفیلد<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۱؛ وایدیگر، ۲۰۰۷). مثلاً، بر اساس الگوی پنج‌عاملی شخصیت، نمره شخصیت و سواسی در مسئولیت‌پذیری و روان‌نژندی گرای بسیار بالاست، در حالی که شخصیت ضداجتماعی در عامل سازگاری و مسئولیت‌پذیری نمره کمی می‌گیرد. بنابراین، این احتمال وجود دارد که الگوی نمرات افراد در پنج عامل اهمیت ویژه داشته باشد. بر این اساس، شخصیت اسکیزوتایپ با نمره پایین در برون‌گرایی مشخص می‌شود (ترول<sup>۱۱</sup>، وایدیگر، لینام و کاستا، ۲۰۰۳؛ مادسن<sup>۱۲</sup>، پارسونز<sup>۱۳</sup>، گروبین<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۶).

از بین اختلالات شخصیت، اختلال شخصیت اسکیزوتایپی بر اساس الگوی پنج‌عاملی کمتر تبیین شده است (لینام و وایدیگر، ۲۰۰۱) که شاید علت آن فقدان شناخت انحرافی<sup>۱۵</sup> در الگوی پنج‌عاملی باشد (مک‌کری<sup>۱۶</sup> و کاستا، ۱۹۹۷). در فراتحلیل<sup>۱۷</sup> سالزمن<sup>۱۸</sup> و پیچ<sup>۱۹</sup> (۲۰۰۴) برای شناسایی همبسته‌های

در دهه گذشته، پرداختن به یکی از اساسی‌ترین مسایل روان‌شناسی شخصیت، یعنی جست‌وجو برای یافتن طبقه‌بندی علمی و قابل قبول از صفات شخصیت، بسیار مورد علاقه بوده است. از آن مهم‌تر این که، چارچوب کلی این طبقه‌بندی پذیرفته شده است (گلدبرگ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲). الگوی پنج‌عاملی شخصیت<sup>۲</sup>، یک الگوی سلسله‌مراتبی از صفات شخصیتی است که پنج عامل گسترده را در بالاترین سطح انتزاع بازنمایی می‌کند. هر عامل دو قطبی (مثل برون‌گرایی در برابر درون‌گرایی) چندین عامل سطحی ویژه (مثل مردم‌آمیزی) را تلخیص می‌کند که آن نیز به نوبه خود مجموعه‌ای از سایر صفات ویژه سطحی‌تر (مثل صمیمیت و پرحرفی) را دربرمی‌گیرد (رامستد<sup>۳</sup> و جان<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷). بنابراین، چارچوب پنج‌عاملی شخصیت تفاوت‌های فردی افراد را بر اساس پنج حیطه از شخصیت طبقه‌بندی می‌کند. این پنج حیطه عبارت‌اند از: روان‌نژندی گرای<sup>۵</sup> (N)، برون‌گرایی<sup>۶</sup> (E)، گشادگی در برابر تجارب جدید<sup>۷</sup> (O)، توافق‌جویی<sup>۸</sup> (A) و وظیفه‌شناسی<sup>۹</sup> (C).

روان‌نژندی گرای در برابر ثبات هیجانی قرار می‌گیرد و شامل طیف وسیعی از احساسات منفی از جمله اضطراب، غمگینی، بدخلقی، تحریک‌پذیری و عصیت می‌شود. گشادگی نشان‌دهنده گسترده‌گی، عمق و پیچیدگی ذهن و تجارب زندگی فرد است. برون‌گرایی و توافق‌جویی، صفات درون‌فردی را در برمی‌گیرد؛ یعنی نشان می‌دهد که افراد با یکدیگر و برای یکدیگر چه کار می‌کنند. سرانجام، وظیفه‌شناسی، نشان‌دهنده رفتار و وظیفه‌مدار و هدف‌مدار است و از لحاظ اجتماعی، نیازمند نظارت بی‌وقفه است. الگوی پنج‌عاملی شخصیت مورد علاقه بسیاری از محققان قرار گرفته و در حمایت از آن تحقیقات متعددی هم شده (گولسینگ<sup>۱</sup>، رنتنفر<sup>۱۱</sup> و اسوان<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۳)، اما هنوز پذیرش جهانی نیافته است (بلوک<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۵).

- |                        |                                     |
|------------------------|-------------------------------------|
| 1- Goldberg            | 2- five-factor model of personality |
| 3- Rammstedt           | 4- John                             |
| 5- neuroticism         | 6- extraversion                     |
| 7- openness            | 8- agreeableness                    |
| 9- conscientiousness   | 10- Gosling                         |
| 11- Rentfrow           | 12- Swann                           |
| 13- Block              | 14- Costa                           |
| 15- Widiger            | 16- Miller                          |
| 17- Reynolds           | 18- Pilkonis                        |
| 19- Lynam              | 20- Leukefeld                       |
| 21- Trull              | 22- Madsen                          |
| 23- Parsones           | 24- Groubin                         |
| 25- aberrant cognition | 26- McCrae                          |
| 27- meta-analysis      | 28- Saulsman                        |
| 29- Page               |                                     |

## روش

این پژوهش بر اساس زمینه‌یابی و یک بررسی همبستگی-نگر انجام شد. جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه دانشجویان دختر و پسر دوره‌های کارشناسی دانشگاه‌های پیام نور تبریز و سراب تشکیل می‌دادند که در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ در این دانشگاه تحصیل می‌کردند. از این جامعه آماری، ۳۱۹ نفر (۲۱۹ زن و ۱۰۰ مرد) با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب و آزموده شدند.

پس از انتخاب کلاس‌ها، نخست پژوهشگر خود را به دانشجویان معرفی و هدف پژوهش را بیان کرد. سپس سؤال‌های شکل کوتاه پرسشنامه شخصیت اسکیزوتایپی<sup>۱۱</sup> (SPQ-B) و مقیاس پنج بزرگ<sup>۱۲</sup> (BFI) را در اختیارشان قرار داد و به آنها گفت که بدون محدودیت زمانی می‌بایست به سؤال‌های پرسشنامه شخصیت اسکیزوتایپی با بلی یا خیر جواب بدهند و نیز نظرشان را در مورد گویه‌های مقیاس پنج بزرگ، در مقیاسی پنج‌درجه‌ای ابراز کنند. برای این که پرسشنامه‌ها همزمان تکمیل شوند، ترتیبی داده شد که نیمی از آزمودنی‌ها نخست به سؤال‌های پرسشنامه شخصیت اسکیزوتایپی و سپس به سؤال‌های پرسشنامه مقیاس پنج بزرگ پاسخ دهند؛ و نیم دیگر ابتدا پرسشنامه مقیاس پنج بزرگ و سپس پرسشنامه شخصیت اسکیزوتایپی را تکمیل نمایند تا بدین وسیله تأثیرات ناشی از ترتیب تکمیل پرسشنامه‌ها کنترل شود. برای حفظ اخلاق پژوهش و حقوق آزمودنی‌ها، هم به صورت شفاهی (قبل از اجرا) و هم به صورت کتبی (بالای پرسشنامه) یادآوری شد که از اطلاعات این پرسشنامه‌ها، صرفاً برای اهداف پژوهشی استفاده می‌شود و برای اطمینان دادن به آنها، جز در مورد جنسیت اطلاعات دیگری هم درخواست نشد. داده‌ها با روش رگرسیون چندمتغیری گام‌به‌گام تحلیل شدند.

پنج‌عاملی اختلالات شخصیت، شخصیت اسکیزوتایپی با عامل روان‌نژندی گرایمی همبستگی مثبت و با عوامل برون‌گرایی، توافق‌جویی، مسؤولیت‌پذیری و گشادگی همبستگی‌های منفی نشان داد. تحقیقات اندک مربوط به اختلال شخصیت اسکیزوتایپی نیز در بعد گشادگی نسبت به تجارب جدید، نتایج ناهمسازی را گزارش کرده‌اند که شامل رابطه مثبت، فقدان رابطه و رابطه منفی می‌شود (روس<sup>۱</sup>، لاتز<sup>۲</sup> و بایلی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲؛ موری<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۲؛ گاررا<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۵).

در یک مطالعه جدید در نمونه ۲۸ نفری از مبتلایان به اختلال شخصیت اسکیزوتایپی، گاررا و همکاران (۲۰۰۵) به این نتیجه رسیدند که مبتلایان به اختلال شخصیت اسکیزوتایپی، در مقایسه با گروه سالم، در بعد روان‌نژندی گرایمی نمرات بالا و در ابعاد وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی و توافق‌جویی نمرات کمتری کسب می‌کنند؛ در حالی که تفاوت دو گروه در بعد گشادگی در برابر تجارب جدید معنادار نیست.

با در نظر گرفتن اهمیت فرهنگ در پیدایش صفات شخصیت (گرگن<sup>۶</sup>، گالرس<sup>۷</sup>، لاک<sup>۸</sup> و میسرا<sup>۹</sup>، ۱۹۹۶) و نیز پذیرش نسبی بین‌فرهنگی الگوی پنج‌عاملی، تاکنون در ایران پژوهشی نشده است که اسکیزوتایپی را بر اساس الگوی پنج‌عاملی تبیین کرده باشد. در تنها پژوهش موجود، شخصیت اسکیزوتایپی با نظریه سه‌عاملی آیزنک مورد مطالعه قرار گرفت که بر اساس آن، محمدزاده و برجعلی (۱۳۸۷) نشان دادند اسکیزوتایپی با مقیاس روان‌نژندی گرایمی آیزنک رابطه دارد و با دو مقیاس دیگر، یعنی برون‌گرایی و روان‌پریشی گرایمی<sup>۱۰</sup>، رابطه‌ای ندارد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه شخصیت اسکیزوتایپی با الگوی پنج‌عاملی شخصیت در ایران است. دستیابی به هدف پژوهش، با گسترش الگوی پنج‌عاملی شخصیت از سبک‌های غیربیماری‌شناختی و انگیزشی شخصیت به نشانه‌شناسی مرضی شخصیت، دانش ما را در مورد شخصیت اسکیزوتایپی و نیز الگوی پنج‌عاملی شخصیت افزایش خواهد داد.

1- Ross  
2- Lutz  
3- Bailley  
4- Morey  
5- Gurrera  
6- Gergen  
7- Gulerce  
8- Lock  
9- Misra  
10- psychoticism  
11 - Schizotypal Personality Questionnaire-Brief  
12 - Big-Five Inventory

## ابزار پژوهش

۱- **مقیاس پنج بزرگ (BFI):** این مقیاس که ۴۴ سؤال دارد و به صورت لیکرت پنج درجه‌ای، در دامنه‌ای از «کاملاً مخالف» تا «کاملاً موافق» نمره‌گذاری شده، جان و سربو استاوا<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) برای سنجش ابعاد شخصیت تهیه کرده‌اند. حیطه‌های پنج‌گانه شخصیت که با این مقیاس سنجیده می‌شود، عبارت‌اند از: برون‌گرایی، توافق‌جویی، وظیفه‌شناسی، روان‌نژندی‌گرایی و گشادگی. ضرایب پایایی بازآزمایی سه ماهه آن در فرهنگ اصلی، بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۰ است. روایی هم‌گرای این پرسشنامه، به وسیله همبستگی آن با دیگر ابزارهای سنجش پنج‌عامل شخصیت، مطلوب بوده است (همان‌جا). ضرایب آلفای کرونباخ<sup>۲</sup> در ایران، برای برون‌گرایی ۰/۶۲، توافق‌جویی ۰/۶۱، وظیفه‌شناسی ۰/۷۲، روان‌نژندی‌گرایی ۰/۸۰، و گشادگی ۰/۶۳ گزارش شده است (نصرت‌آبادی، جوشن‌لو و جعفری‌کندوان، ۱۳۸۵). ضمن این که، مقیاس پنج بزرگ در ایران، روایی عاملی و صوری مطلوبی نیز دارد (همان‌جا).

۲- **فرم کوتاه پرسشنامه شخصیت اسکیزوتایپی (SPQ-B):** این پرسشنامه برای سنجش الگوهای شخصیتی اسکیزوتایپی ساخته شده است و نشانه‌شناسی مثبت و منفی اسکیزوتایپی را می‌سنجد. شکل کوتاه پرسشنامه شخصیت اسکیزوتایپی، نسخه کوتاه پرسشنامه ۷۴ سؤالی است که ۲۲ ماده دارد و راین<sup>۳</sup> و بنیشای<sup>۴</sup> (۱۹۹۵) آن را ساخته‌اند. به این پرسشنامه با بلی/خیر جواب داده می‌شود. «بلی» نمره یک و «خیر» نمره صفر می‌گیرد.

این ابزار سه مقیاس فرعی (ادراکی - شناختی، بین‌فردی و سازمان‌یافتگی) دارد که همسانی درونی آنها در دامنه‌ای بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۰ (میانگین ۰/۷۶) است. ضرایب پایایی بازآزمایی دو ماهه این پرسشنامه بین ۰/۸۶ تا ۰/۹۵ (میانگین ۰/۹۰) است. روایی ملاکی آن به وسیله همبستگی با ابزارهای بالینی شخصیت اسکیزوتایپی، بالا (برای کل مقیاس ۰/۶۶، عامل ادراکی - شناختی ۰/۷۳ و عامل بین‌فردی ۰/۶۳)، ولی روایی ملاکی عامل آشفستگی پایین (۰/۳۶) گزارش شده است (راین و بنیشای، ۱۹۹۵). اعتبارسنجی این ابزار را در ایران محمدزاده (۲۰۰۷)

انجام داده است. روایی هم‌زمان این پرسشنامه با مقیاس شخصیتی اسکیزوتایپی ۰/۷۵ گزارش شده است. ضریب پایایی بازآزمایی مقیاس‌های این پرسشنامه در فاصله زمانی چهار هفته ۰/۹۴ و برای عوامل نقایص ادراکی - شناختی، نقایص بین‌فردی و آشفستگی به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۹۰ و ۰/۸۵ به دست آمد. بر اساس نتایج، مقدار ضریب آلفا برای کل پرسشنامه ۰/۸۳ و برای عوامل نقایص ادراکی - شناختی ۰/۶۶، نقایص بین‌فردی ۰/۷۰ و آشفستگی ۰/۶۸ است (محمدزاده، ۲۰۰۷).

## یافته‌ها

مشخصات جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش در جدول ۱ آمده است. برای بررسی رابطه شخصیت اسکیزوتایپی و الگوی پنج‌عاملی شخصیت، ضرایب همبستگی آنها با یکدیگر مقایسه شد. خلاصه این نتایج در جدول ۲ آمده است. اطلاعات جدول گویای آن است که اسکیزوتایپی با روان‌نژندی‌گرایی همبستگی مثبت و با برون‌گرایی همبستگی منفی دارد.

برای تعیین دقیق‌تر رابطه و نیز تشخیص سهم هر کدام از پنج عامل بزرگ شخصیت در تبیین شخصیت اسکیزوتایپی، از تحلیل رگرسیون چندمتغیره گام‌به‌گام استفاده شد. در بررسی پیش فرض استفاده از رگرسیون چندگانه، با توجه به حضور پنج متغیر پیش‌بین در تحلیل رگرسیون اولیه، برای سنجش استقلال متغیرهای پیش‌بین، فرض هم‌خطی بودن چندگانه بررسی شد. نرم‌افزار، شاخص تحمل و شاخص عامل تورم واریانس را به دست داد. شاخص تحمل متغیرها در دامنه ۰/۷۸ تا ۰/۹۱ و شاخص عامل تورم واریانس در دامنه ۱ تا ۱/۲۷ قرار داشت، از این رو می‌توان پذیرفت که متغیرهای پیش‌بین از یکدیگر مستقل‌اند و هم‌خطی بودن چندگانه اتفاق نیفتاده است. نمودار طبیعی هم‌نشان داد که انحرافی از طبیعی بودن صورت نگرفته است. در نمونه‌های زن و مرد نیز شاخص‌های مشابهی به دست آمد.

1- Srivastava  
3- Raine

2- Cronbach's alpha  
4- Benishay

جدول ۱- مشخصات جمعیت شناختی نمونه پژوهش

تعداد	درصد	میانگین سنی	انحراف معیار
۲۱۹	۷۸/۷	۲۴/۴۵	۶/۷۰
۱۰۰	۳۱/۳	۲۲/۴۸	۳/۵۶
۳۱۹	۱۰۰	۲۱/۴۹	۲/۹۹

جدول ۲- ضرایب همبستگی پیرسون بین پنج عامل شخصیت و شخصیت اسکیزوتایپی

مؤلفه‌ها	برون‌گرایی	توافق‌جویی	وظیفه‌شناسی	روان‌نزدی‌گرایی	گشادگی
شخصیت اسکیزوتایپی	*-۰/۲۲	-۰/۰۷	-۰/۰۴	*۰/۳۷	-۰/۰۹

\* همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

جدول ۳- تحلیل رگرسیون متغیر شخصیت اسکیزوتایپی بر پایه پنج عامل شخصیت

گام	متغیر پیش‌بین	R <sup>۲</sup>	F	p.value	β	t	p.value
اول	روان‌نزدی‌گرایی	۰/۱۴	۵۳/۰۱	۰/۰۰۱	۰/۳۷	۷/۲۸	۰/۰۰۱
دوم	روان‌نزدی‌گرایی	۰/۱۸	۳۴/۶۵	۰/۰۰۱	۰/۴۳	۸/۲	۰/۰۰۱
	توافق‌جویی				۰/۲۰	۳/۷۵	۰/۰۰۱
سوم	روان‌نزدی‌گرایی	۰/۱۹	۲۵/۶۶	۰/۰۰۱	۰/۴۰	۷/۳۳	۰/۰۰۱
	توافق‌جویی				۰/۲۰	۳/۸	۰/۰۰۱
چهارم	برون‌گرایی	۰/۲۰	۲۰/۷۲	۰/۰۰۱	۰/۴۳	۷/۷۱	۰/۰۰۱
	روان‌نزدی‌گرایی				۰/۱۳	۲/۵۴	۰/۰۱
	توافق‌جویی				۰/۱۹	۳/۸۵	۰/۰۰۱
	برون‌گرایی				۰/۱۵	۲/۸۷	۰/۰۰۱
	وظیفه‌شناسی				۰/۱۲	۲/۲۲	۰/۰۲

جدول ۴- تحلیل رگرسیون متغیر شخصیت اسکیزوتایپی در گروه زنان، بر پایه پنج عامل شخصیت

گام	متغیر پیش‌بین	R <sup>۲</sup>	F	p.value	β	t	p.value
اول	روان‌نزدی‌گرایی	۰/۲۱	۵۹/۱۵	۰/۰۰۱	۰/۴۶	۷/۶۹	۰/۰۰۱
دوم	روان‌نزدی‌گرایی	۰/۲۹	۴۴/۵۰	۰/۰۰۱	۰/۳۴	۵/۴۷	۰/۰۰۱
	توافق‌جویی				۰/۳۰	۴/۸۶	۰/۰۰۱
سوم	روان‌نزدی‌گرایی	۰/۳۱	۳۲/۹۲	۰/۰۰۱	۰/۳۴	۵/۵۷	۰/۰۰۱
	توافق‌جویی				۰/۳۶	۵/۵۷	۰/۰۰۱
چهارم	برون‌گرایی	۰/۳۲	۲۶/۲۱	۰/۰۰۱	۰/۳۳	۲/۶۸	۰/۰۰۸
	روان‌نزدی‌گرایی				۰/۳۹	۵/۵۱	۰/۰۰۱
	توافق‌جویی				۰/۱۵	۲/۵۴	۰/۰۱
	برون‌گرایی				۰/۱۲	۲/۱۲	۰/۰۳



**جدول ۵- تحلیل رگرسیون متغیر شخصیت اسکیزوتایپی در گروه مردان، بر پایه پنج عامل شخصیت**

گام	متغیر پیش بین	R <sup>2</sup>	F	p.value	$\beta$	t	p.value
اول	روان‌نژندی‌گرایی	۰/۰۹	۱۰/۰۷	۰/۰۰۱	۰/۳۰	۳/۱۷	۰/۰۰۲
دوم	روان‌نژندی‌گرایی		۱۳/۹۶	۰/۰۰۱	۰/۴۶	۴/۷۳	۰/۰۰۱
	توافق‌جویی	۰/۲۲			۰/۳۹	۴/۰۳	۰/۰۰۱
سوم	روان‌نژندی‌گرایی		۱۲/۰۷		۰/۵۳	۵/۳۸	۰/۰۰۱
	توافق‌جویی	۰/۲۷		۰/۰۰۱	۰/۴۲	۴/۴۱	۰/۰۰۱
	برون‌گرایی				۰/۲۳	۲/۵۸	۰/۰۱

در این مرحله، برون‌گرایی، توافق‌جویی، وظیفه‌شناسی، روان‌نژندی‌گرایی و گشادگی، به عنوان متغیر پیش‌بین و شخصیت اسکیزوتایپی به عنوان متغیر ملاک وارد معادله رگرسیون شد. جدول ۳ نتیجه این تحلیل را نشان می‌دهد.

نسبت معنادار F در جدول ۳، نشانگر ارتباط معنادار متغیر پیش‌بین و ملاک است. بر اساس اطلاعات جدول فوق، به جز گشادگی، بقیه عوامل الگوی پنج‌عاملی، توان لازم برای ورود به معادلات رگرسیونی را برای تبیین اسکیزوتایپی دارند.

ضرایب حاصل از نتایج تحلیل رگرسیونی حاکی از آن است که در گام اول، ورود متغیر روان‌نژندی‌گرایی به تنهایی می‌تواند ۱۴ درصد تغییرات شخصیت اسکیزوتایپی را پیش‌بینی کند. در گام دوم، ورود متغیر توافق‌جویی این مقدار را به ۱۸ درصد می‌رساند و در گام‌های سوم و چهارم نیز اضافه شدن متغیر برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی درصد تغییرات متغیر ملاک را به ترتیب به ۱۹ و ۲۰ درصد افزایش می‌دهد.

برای بررسی نقش جنسیت، علاوه بر تحلیل کل نمونه، نمونه‌های زن و مرد جداگانه تحلیل شدند. برای تحلیل گروه زنان نیز مؤلفه‌های برون‌گرایی، توافق‌جویی، وظیفه‌شناسی، روان‌نژندی‌گرایی و گشادگی به عنوان متغیر پیش‌بین و شخصیت اسکیزوتایپی به عنوان متغیر ملاک وارد معادله رگرسیون شدند. جدول ۴ نتیجه این تحلیل را نشان می‌دهد.

نسبت معنادار F در جدول ۵ نشانگر ارتباط معنادار متغیر پیش‌بین و ملاک است. در این بخش از پژوهش نیز اطلاعات

جدول فوق حاکی از آن است که، به جز گشادگی، بقیه عوامل الگوی پنج‌عاملی توان لازم برای ورود به معادلات رگرسیونی جهت تبیین اسکیزوتایپی را دارند.

ضرایب حاصل حاکی از آن است که در گام اول، ورود متغیر برون‌گرایی به تنهایی می‌تواند ۲۱ درصد تغییرات متغیر ملاک، یعنی شخصیت اسکیزوتایپی را پیش‌بینی کند. در گام دوم، ورود متغیر روان‌نژندی‌گرایی این مقدار را به ۲۹ درصد می‌رساند و در گام‌های سوم و چهارم نیز اضافه شدن متغیر وظیفه‌شناسی و توافق‌جویی درصد تغییرات متغیر ملاک را به ترتیب به ۳۱ و ۳۲ درصد ارتقا می‌دهد.

در تحلیل گروه مردان نیز، برون‌گرایی، توافق‌جویی، وظیفه‌شناسی، روان‌نژندی‌گرایی و گشادگی به عنوان متغیر پیش‌بین و شخصیت اسکیزوتایپی به عنوان متغیر ملاک وارد معادله رگرسیون شدند. جدول ۵ نتیجه این تحلیل را نشان می‌دهد.

نسبت معنادار F در جدول ۵ نشانگر ارتباط معنادار متغیر پیش‌بین و ملاک است. بر اساس اطلاعات جدول فوق، به جز وظیفه‌شناسی و برون‌گرایی، دیگر عوامل سه‌گانه الگوی پنج‌عاملی، توان لازم برای ورود به معادلات رگرسیونی جهت تبیین اسکیزوتایپی را دارند.

ضرایب حاصل از نتایج تحلیل رگرسیونی حاکی از آن است که در گام اول، ورود متغیر روان‌نژندی‌گرایی به تنهایی می‌تواند ۹ درصد تغییرات متغیر ملاک یعنی، شخصیت اسکیزوتایپی را پیش‌بینی کند. در گام دوم، ورود متغیر

اسکیزوتایپی است (انجمن روان پزشکی آمریکا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰)، این بخش از یافته‌ها موجه به نظر می‌رسد.

رابطه منفی شخصیت اسکیزوتایپی با عامل برون‌گرایی شخصیت، با گرایش به انزوا که به آن بی‌لذتی درون‌گرایانه شخصیت اسکیزوتایپی گفته می‌شود (راولینگز<sup>۲</sup>، کلاریج<sup>۳</sup> و فریمن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱)، قابل تبیین است. همچنین، رابطه منفی شخصیت اسکیزوتایپی با توافق‌جویی، با نقایص بین‌فردی شخصیت اسکیزوتایپی هماهنگ است؛ نقایصی که با ویژگی‌هایی چون اضطراب اجتماعی مفرط، فقدان دوستان صمیمی، عاطفه محدود و بدگمانی همراه است (راین، ۱۹۹۱).

مشخصه مسؤولیت‌پذیری پایین، عدم رعایت هنجارها و دست زدن به اعمال خشونت‌بار است که این بر تلقی آیزنک از مفهوم روان‌پریشی منطبق است. براساس تلقی آیزنک، رفتارهای ضداجتماعی از ویژگی‌های روان‌پریشی و بنابراین از ویژگی‌های صفات شبه روان‌پریشی اسکیزوتایپی به شمار می‌روند (محمدزاده و برجلی، ۱۳۸۷).

همسویی یافته حاضر با پژوهش قبلی، نشان‌دهنده پیوستاری نشانه‌شناسی شخصیت اسکیزوتایپی در سطوح بالینی و غیربالینی است. بنابراین، این یافته‌ها در پرتو الگوی ابعادی (کلاریج<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷؛ به نقل از گولدینگ<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴) قابل تبیین است؛ الگویی که بر اساس آن، اسکیزوتایپی به عنوان صفاتی در نظر گرفته می‌شوند که توزیع پیوستاری دارند.

در پژوهش حاضر، اسکیزوتایپی بیشترین رابطه را با روان‌نژندی گرایبی نشان داد. این بخش از پژوهش، با پژوهشی که رابطه اسکیزوتایپی را با مقیاس روان‌نژندی گرایبی آیزنک معنادار گزارش کرده همسوست (محمدزاده و برجلی، ۱۳۸۷). این همسویی بیانگر همگرایی نسبی دیدگاه سه‌عاملی و پنج‌عاملی شخصیت است.

توافق‌جویی این مقدار را به ۲۲ درصد افزایش می‌دهد و در گام سوم نیز اضافه شدن متغیر گشادگی درصد تغییرات متغیر ملاک را به ۲۷ درصد رساند.

## نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش، که در آن رابطه شخصیت اسکیزوتایپی با الگوی پنج‌عاملی شخصیت در نمونه‌های غیربالینی بررسی شد، نشان داد که شخصیت اسکیزوتایپی با روان‌نژندی گرایبی همبستگی مثبت و با برون‌گرایی همبستگی منفی دارد. وظیفه‌شناسی، توافق‌جویی و گشادگی در برابر تجارب جدید، با اسکیزوتایپی رابطه معناداری ندارند، اما بر اساس نتایج تحلیل رگرسیونی، برای تبیین شخصیت اسکیزوتایپی همراهی وظیفه‌شناسی و توافق‌جویی با روان‌نژندی گرایبی و برون‌گرایی ضروری است. تحلیل رگرسیونی نشان داد که روان‌نژندی گرایبی، به تنهایی درصد قابل ملاحظه‌ای از شخصیت اسکیزوتایپی را تبیین می‌کند.

مطالعه حاضر با مطالعات سالزمن و پیچ (۲۰۰۴) و گاررا و همکاران (۲۰۰۵) بر نمونه‌های بالینی مبتلا به اختلال شخصیت اسکیزوتایپی همسوست. نتایج نشان‌دهنده این است که بر اساس دیدگاه پنج‌عاملی، روان‌نژندی گرایبی بالا و توافق‌جویی؛ برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی پایین، الگوی پیشنهادی احتمالی برای شخصیت اسکیزوتایپی است. ضمن این که گشادگی در برابر تجارب جدید نقشی در تبیین اسکیزوتایپی ندارد. با توجه به همسانی یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش گاررا و همکاران (۲۰۰۵)، به نظر می‌رسد که بعد گشادگی در برابر تجارب جدید در الگوی پنج‌عاملی شخصیت، قدرت تبیین شخصیت اسکیزوتایپی را نداشته باشد. در الگوی پیشنهادی، روان‌نژندی گرایبی که گرایش به تجربه آشفتگی‌های هیجانی را می‌سجد (گولسینگ و همکاران، ۲۰۰۳) نقش اساسی دارد. از آنجا که آشفتگی هیجانی از علایم عاطفی شخصیت

1-American Psychiatric Association

2- Rawlings

3- Claridge

4- Freeman

5- Claridge

6- Goulding

در یک جمع‌بندی کلی، پژوهش حاضر با گسترش الگوی پنج‌عاملی شخصیت از سبک‌های غیربیماری شناختی و انگیزشی به نشانه‌شناسی مرضی توانسته است گامی بنیادی در جهت ارتقای دانش در زمینه شخصیت اسکیزوتایپی و نیز الگوی پنج‌عاملی شخصیت بردارد. اما خاطر نشان می‌شود که هسته اصلی شخصیت اسکیزوتایپی را شناخت‌های انحرافی تشکیل می‌دهد (لینام و وایدیگر، ۲۰۰۱) و نیز به علت این که در بین صفات اصلی شخصیت عاملی وجود ندارد که با این ویژگی شخصیت اسکیزوتایپی مرتبط باشد، تبیین شخصیت اسکیزوتایپی با توسل به الگوی پنج‌عاملی خالی از انتقاد نخواهد بود.

ذکر این نکته ضروری است که محدودیت پژوهش حاضر در بخش نمونه‌گیری می‌تواند تعمیم‌پذیری نتایج را تحت تأثیر قرار دهد، چون به دلیل شرایط تحصیل در دانشگاه پیام نور (جامعه تحقیقی) که در آن حضور در کلاس برای دانشجویان اجباری نیست، نمونه از بین دانشجویانی انتخاب شد که در زمان تحقیق در دانشگاه حضور داشتند و بنابراین، انتخاب تصادفی واقعی در پژوهش حاضر میسر نشد.

## سپاس‌گزاری

بدین وسیله از دانشجویان محترم دانشگاه‌های پیام‌نور تبریز و سراب قدردانی می‌شود که با نهایت صداقت و بدون هیچ توقعی به تکمیل پرسشنامه‌ها مبادرت ورزیدند.

دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۸/۲۰؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۲/۹

1- Nestor  
3- Camisa  
5- Van Kampen  
7- Wolfradt

2- O'Donnell  
4- prodromal  
6- vulnerability-stress model  
8- Struabe

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش حاضر شناسایی نقش جنسیت در تبیین شخصیت اسکیزوتایپی بر اساس پنج عامل بزرگ شخصیت است. نتایج حاضر نشان می‌دهند که قدرت تبیین برون‌گرایی در زنان بیشتر از چهار عامل دیگر شخصیت است، اما در مردان روان‌نژندی‌گرایی ارتباط بیشتری با شخصیت اسکیزوتایپی دارد.

نتایج برخی مطالعات که الگوی پنج‌عاملی را در بیماران دچار اسکیزوفرنیا بررسی کرده‌اند (گاررا، نستور<sup>۱</sup> و اودانل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰؛ کامیسا<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۵)، نشان داده است که عملکرد بیماران اسکیزوفرنیایی در پرسشنامه‌های پنج‌عاملی شخصیت، مشابه عملکرد آزمودنی‌های پژوهش حاضر است. از آنجا که در ادبیات پژوهشی مربوط به اختلالات طیف اسکیزوفرنیا، اسکیزوتایپی شکل خفیف و غیربالینی و نیز شخصیت پیش‌نشانه‌ای<sup>۴</sup> اسکیزوفرنیا در نظر گرفته می‌شود (ون کامپن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶) و بنابراین، شخصیت اسکیزوتایپی و اسکیزوفرنیا به‌عنوان نقاط مختلف روی یک پوستار مفهوم‌بندی شده‌اند (که بر اساس مفروضات الگوی آسیب‌پذیری-تنیدگی<sup>۶</sup>، مبین درجاتی از خطر هستند) (والفرد<sup>۷</sup> و استراب<sup>۸</sup>، ۱۹۹۸)، یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعه گاررا و همکاران (۲۰۰۰) در گروه‌های دچار اسکیزوفرنیا نیز همسوست.

همچنین، در بحث جهان‌شمولی و وابسته به فرهنگ بودن صفات شخصیت، همسویی یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی تا حدودی مؤید نظر گروهی است که معتقدند گرچه هر فرهنگی ویژگی‌های منحصر به فردی دارد، اما در سطحی کلی‌تر، فرهنگ‌های متفاوت ابعاد ساختاری نسبتاً مشابهی دارند. در همین راستا، مک‌ری و کاستا (۱۹۹۷) ابراز می‌دارند که ممکن است به لحاظ فرهنگی، جنبه‌های خاصی از ساختار شخصیت ثابت باشد؛ به این معنی که برای عمل کردن و تجربه کردن، روش‌های جهانی و عمومی وجود دارد.



## منابع

- محمدزاده، ع. و برجعلی، ا. (۱۳۸۷). پرسشنامه صفات اسکیزوتایپی (STQ) و شخصیت آیزنک (EPQ): همگرایی و واگرایی دو دیدگاه روان‌پریشی. *مجله تازه‌های علوم شناختی*، ۳۸، ۲۸-۲۱.
- نصرت‌آبادی، م.، جوشن‌لو، م.، و جعفری‌کندوان، غ. ر. (۱۳۸۵). بررسی پایایی و روایی پرسشنامه پنج‌عامل اصلی شخصیت (BFI) در دانشجویان. *فصلنامه روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی*، ۱(۵)، ۱۴۸-۱۲۴.
- American Psychiatric Association. (2000). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders*. Washington, DC: APA.
- Block, J. (1995). A contrarian view of the five-factor approach to personality description. *Psychological Bulletin*, 117(2), 187-215.
- Goldberg, L. R. (1992). The development of markers for the Big-Five factor structure. *Psychological Assessment*, 4(1), 26-42.
- Gosling, S. D., Rentfrow, P. J., & Swann, W. B. (2003). A very brief measure of the Big-Five personality domains. *Journal of Research in Personality*, 37(6), 504-528.
- John, O. P., & Srivastava, S. (1999). The Big-Five trait taxonomy: History, measurement, and theoretical perspectives. In L. A. Pervin & O. P. John (Eds.), *Handbook of personality: Theory and research* (pp.102-138). New York: Guilford Press.
- Camisa, K. M., Bockbrader, M. A., Lysaker, P., Rae, L., Brenner, C. A., & O'Donnell, B. F. (2005). Personality traits in schizophrenia and related personality disorders. *Psychiatry Research*, 133(1), 23-33.
- Costa, P. T., & Widiger, T. (1994). Summary and unresolved issues. In P. Costa & T. Widiger (Eds.), *Personality disorders and the five-factor model of personality* (pp. 319-327). Washington, DC: American Psychological Association.
- Gergen, K. J., Gulerce, A., Lock, A., & Misra, G. (1996). Psychological science in cultural context. *American Psychologist*, 51(5), 496- 503.
- Gosling, S. D., Rentfrow, P. J., & Swann, W. B. (2003). A very brief measure of the Big-Five personality domains. *Journal of Research in Personality*, 37(6), 504-528.
- Goulding, A. (2004). Schizotypy models in relations to subjective health and paranormal beliefs and experiences. *Personality and Individual Differences*, 37(1), 157-167.
- Gurrera, R. J., Dickey, C. C., Niznikiewicz, M. A., Voglmaier, M. M., Shenton, M. E., & McCarley, R. W. (2005). The five-factor model in schizotypal personality disorder. *Schizophrenia Research*, 80(2), 243-251.
- Gurrera, R. J., Nestor, P. G., & O'Donnell, B. F. (2000). Personality traits in schizophrenia: Comparison with a community sample. *Journal of Nervous and Mental Disorders*, 188(1), 31-35.
- Lynam, D. R., & Widiger, T. A. (2001). Using the five-factor model to represent the DSM-IV personality disorders: An expert consensus approach. *Journal of Abnormal Psychology*, 110(3), 401-412.
- Madsen, L., Parsons, S., & Grubin, D. (2006). The relationship between the five-factor model and DSM personality disorder in a sample of child molesters. *Personality and Individual Differences*, 40(2), 227-236.
- McCrae R. R., & Costa D. T. (1997). Personality trait structure as a human universal. *American Psychologist*, 52(5), 509-516.
- Miller, J. D., Lynam, D. R., Widiger, T. A., & Leukefeld, C. (2001). Personality disorders as extreme variants of common personality dimensions: Can the five-factor model adequately represent psychopathy? *Journal of Personality*, 69(2), 253-276.
- Miller, J. D., Reynolds, S. K., & Pilkonis, P. A. (2004). The validity of the five-factor model prototypes for personality disorders in two clinical samples. *Psychological Assessment*, 16(3), 310-322.
- Mohammadzadeh, A. (2007). The study of psychometric properties of Schizotypal Personality Questionnaire-Brief (SPQ-B). *International Journal of Psychology*, 2, 47-61.
- Morey, L. C., Gunderson, J. G., Quigley, B. D., Shea, M. T., Skodol, A. E., McGlashan, T. H., Stout, R. L., & Zanarini, M. C. (2002). The representation of borderline, avoidant, obsessive-compulsive, and schizotypal personality disorders by the five-factor model. *Journal of Personality Disorders*, 16(3), 215-234.

Raine, A., (1991). The SPQ: A scale for the assessment of schizotypal personality based on DSM-III-R criteria. *Schizophrenia Bulletin*, 17(4), 555-564.

Raine, A., & Benishay, D. (1995). The SPQ-B: A brief screening instrument for schizotypal personality disorder. *Journal of Personality Disorders*, 9(4), 346-355.

Rammstedt, B., & John, O. P. (2007). Measuring personality in one minute or less: A 10-item short version of the Big Five Inventory in English and German. *Journal of Research in Personality*, 41(1), 203-212.

Rawlings, D., Claridge, G., & Freeman, J. L. (2001). Principal components analysis of the Schizotypal Personality Scale (STA) and the Borderline Personality Scale (STB). *Personality and Individual Differences*, 31(3), 409-419.

Ross, S. R., Lutz, C. J., & Bailey, S. E. (2002). Positive and negative symptoms of schizotypy and the five-factor model: A domain and facet level analysis. *Journal of Personality Assessment*, 79(1), 53-72.

Saulsman, L. M., & Page, A. C. (2004). The five-factor model and personality disorder empirical literature: A meta-analytic review. *Clinical Psychology Review*, 23(8), 1055-1085.

Trull, T. J., Widiger, T. A., Lynam, D. R., & Costa, P. T. (2003). Borderline personality disorder from the perspective of general personality functioning. *Journal of Abnormal Psychology*, 112(2), 193-202.

Van Kampen, D. (2006). The Schizotypic Syndrome Questionnaire (SSQ): Psychometrics, validation and norms. *Schizophrenia Research*, 84(2), 305-322.

Widiger, T. A. (2007). dimensional model of personality disorder. *World Psychiatry*, 6(2), 79-83.

Wolfradt, U., & Struabe, E. R. (1998). Factor structure of schizotypal trait among adolescents. *Personality and Individual Differences*, 24(2), 201 - 206.

